

هر آنچه که در رابطه با سبک زندگی می‌خواهید بدانید

جنگل های هیرکانی؛ یادگار دایناسورها

زمانی زمین خانه موجودات غول پیکری بود که طی چند حادثه و تحولات طبیعی از بین رفتند. یکی از این تحولات، عصر یخبندان بود. این یخبندان گیاهان و نباتات را از بین برد و به تبع آن دایناسورها هم نابود شدند. اما خلاف آن هیولاهای دنیای کهن، گیاهان و درختان پس از برگشت اوضاع جوی زمین به حالت عادی توانستند از دل خاک سربر بیاروند و حیاتی نو روی زمین رقم بزنند. یکی از مناطقی که از آن دوره باقی مانده همین جنگل‌های هیرکانی است. هیرکانی با ۴۰ میلیون سال قدمت یکی از میراث طبیعی ایران و جهان است که اتفاقاً به خاطر نوع درختان و گونه‌های گیاهی منحصر به فردش در جهان هم بی‌نظیر است.

سیطره جنگل‌های هیرکانی ایران از نوار شمالی ایران از غرب تا شرق را دربرمی‌گیرد. استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، گلستان، گیلان، مازندران و سمنان در مسیر این جنگل هستند و خراسان شمالی هم همسایه دیوار به دیوار آن است و در بعضی نوشته‌ها این استان را هم جزو سرزمین هیرکانی‌ها حساب می‌کنند. در این بین استان مازندران با حدود ۵۳درصد از کل مساحت هیرکانی‌رتبه اول را دارد. گیلان با ۲۶ درصد و بعد استان گلستان با ۲۱ درصد در رتبه‌های بعدی هستند.

جنگل‌های هیرکانی بعد از کویر لوت دومین سایت طبیعی ایران است که در میراث جهانی یونسکو ثبت شده است. داستان این ثبت هم به نوبه خود جالب است. جمهوری آذربایجان زمانی خواسته بود این جنگل پرقدمت را به نام خودش در یونسکو ثبت کند. اما از آنجا که از کل مساحت دومیلیون و ۱۲۵ هزار هکتاری این جنگل‌ها فقط حدود ۲۰ هزار هکتار آن در کشور آذربایجان است، یونسکو این درخواست را نپذیرفت. در مرحله بعد ایران درخواست داد و یونسکو هیرکانی را میراث جهانی مشترک ایران وجمهوری آذربایجان معرفی و ثبت کرد. این رویداد برای سال ۲۰۱۹ بود و تا این لحظه آخرین اثر ثبت‌شده ایران در میراث جهانی است. طنز ماجرا اینجاست که آذربایجان در نقشه‌های خود و در کتاب‌های درسی‌اش بخش شمال غربی ایران را به طور کامل جزو کشور خود معرفی می‌کند و کودکان و جوانان آذربایجانی فکر می‌کنند شهرهای



آذری‌زبان ما جزو کشورشان است اما در عرصه جهانی حتی نتوانست به‌تنهایی مدعی یک جنگل شود! جنگل‌های هیرکانی غیر از زیبایی تأثیر به‌سزایی در حفظ آب دارند. وجود این جنگل مانع بزرگی برابر سیلاب است. به‌خاطر موقعیت خاص آن در بعضی نواحی که بین کوه و دریا قرار گرفته، گونه‌هایی گیاهی در آن رشد می‌کنند که در هیچ‌جای دیگر جهان یافت نمی‌شود. همین امر منبع مطالعاتی غنی برای زمین‌شناسان فراهم کرده که با بررسی گونه‌های کمیاب زنده و فسیل‌های گیاهان منقرض‌شده درباره زمین‌اطلاعات بیشتری به‌دست بیاورند. گونه‌های جانوری این جنگل هم بسیار متنوع است. اگرچه متأسفانه گونه‌های زیادی منقرض شده‌اند یا در حال انقراض هستند، اما هیرکانی با این پوشش انبوه و گستره عمیق هنوز خانه پستانداران، پرندگان و حتی ماهی‌های زیادی است. خرس قهوه‌ای، پلنگ، شغال، سمور، عقاب، جغد، بلدرچین، کرکس، شوکا و کل از جمله بعضی از ساکنان این جنگل‌ها هستند.

در گستره جنگل‌های هیرکانی ۱۲لکه جغرافیایی است وهر کدام جداگانه برای ثبت در یونسکو از طرف ایران پیشنهاد شده است. بولا در ساری، الیمستان در آمل، لیسار در تالش، پارک ملی گلستان، جنگل‌های ارسپاران آذربایجان شرقی و جنگل ابر شاهرود از جمله این لکه‌های معروف و شناخته‌شده هستند. یونسکو این مناطق را به‌عنوان «ذخیره‌گاه زیست‌بوم» ثبت کرده است. این‌عنوان برای پدیده‌های طبیعی که تأثیر مثبتی بر همه زمین می‌گذارد به کار می‌رود.

جنگل ابر

اگر به اهالی سفر و گردش بگویید جنگل ابر، اولین گزینهای که در ذهنشان می‌آید جنگل ابر شاهرود در استان سمنان است. البته این تداعی پر بیراه هم نیست. منتها این تنها جنگل ابر ما در ایران نیست. اما اول ببینیم جنگل ابر یعنی چه؟

در مناطق کوهستانی شمال ایران که در مجاورت دریا هستند، رطوبت حاصل از بارندگی زیاد در ارتفاعات حبس می‌شود و ابرها امکان فرار ندارند. با سرد شدن هوا این



از افراسیاب تا حراجی جنگل گردی دورتادور ایران

عطیه عیار

نویسنده



کسی هست که بتواند به لذت بگ‌ گردش بهاری در فضایی آرام و سبز که بوی علف و چوب خیس همه‌جا را پر کرده و صدای سرخوشانه انواع پرندگان گوشش را می‌نوازد، نه بگوید؟ مخصوصاً که بعد این گردش و پیاده‌روی یک چای هیزمی هم دستش بدهند! غالب تصور ما از گردش در جنگل همین است. البته تصور غلطی هم نیست. هر کدام ما در شهر و دیوار خود بالاخره جنگل طبیعی یا انسان‌ساخته یا حداقل محوطه پردرختی داریم که برای استراحت و تفریح و تمدد اعصاب، چند ساعت یا شاید چند روزی را در آن سپری کنیم. اما این جنگل‌ها را نباید فقط به چشم چند هزار درخت ساده نگاه کرد. تک‌تک این درخت‌ها باقی‌مانده از دوره‌های مختلف زمین و تغییر و تحولاتش است. بسیاری از آنها قرن‌ها قبل از ما ساکن این سرزمین بوده‌اند و اگر ما همت کنیم تا قرن‌ها بعد ما هم خواهند ماند.

ابرها زیاد و متراکم می‌شوند و وقتی در آن ارتفاع باشید گویی اقیانوسی از پنبه‌های سفید در مقابلتان است. همه این جنگل‌های ابر درواقع زیرمجموعه جنگل‌های هیرکانی هستند اما به خاطر ارتفاع بالا و این ویژگی ابری خود متمایز شده‌اند.

در ایران چندین سایت و منطقه، مأمّن این عروس زیبای هستند که جنگل ابر شاهرود تنها یکی از آنهاست. جنگل ابر معروف دیگر جنگل فیلبند در مازندران است. این جنگل و جنگل اوپرت در مرز بین مازندران و شاهرود، از بهترین مقاصد گردشگری برای کمپینگ در جنگل و تمدد اعصاب و دوری از شلوغی شهر هستند. هر دو جنگل در



زاگرس ۴۰ درصد جنگل‌های ایران را تشکیل می‌دهند. متأسفانه به دلایل طبیعی مثل خشکسالی و گسترش آفت‌ها و همچنین دلایل انسانی مثل چرای روبیه و قطع درختان و البته بزرگ‌دها، اوضاع جنگل‌های بلوط چندان خوب نیست. چند آتش‌سوزی مهیب طی سالیان اخیر هم تن نحیف این جنگل‌ها را رنجورتر کرده است. اما چندسالی است که اهالی بومی و محیط‌بانان با کمک هم و تبلیغات رسانه‌ای به دنبال احیای این جنگل‌ها هستند. در همین راستا روز هفتم فروردین روز پاسداشت بلوط نام‌گرفته و مردم با لباس محلی در جنگل‌ها حاضر شده و سعی در جلب‌توجه افکار عمومی دارند.

با این حال، هنوز این جنگل‌ها زیبایی خودشان را دارند و هنوز ارزش دارد که برای دیدنش‌ان هم‌مسیر جاده‌ها شد. دشت برم در ۳۰ کیلومتری شرق کاروزن در استان فارس یکی از معروف‌ترین جنگل‌های بلوط و البته بزرگترین جنگل بلوط ایران و غرب آسیاست. در این جنگل علاوه بر درختان بلوط ایرانی، بادام کوهی و ارزن هم یافت می‌شود. به علاوه زیستگاه گوزن زرد ایرانی است. برای اقامت هم می‌توانید گزینه تنها کاروانسرای سنگی ایران را در نظر داشته باشید.

جنگل حرا

جنگل عجیب حرا همه تصورات ما را از جنگل به‌هم ریخته است. اگر تا به حال هر وقت اسم جنگل به میان می‌آمد، کتان‌ی و پوتین به پا کرده و می‌رفتیم تا گروهی درخت انبوه روی زمین یا در کوهستان را ببینیم، حالا باید از زمین سفت زیر پا جدا شویم و دل به دریا بزنیم؛ دریایی که همیشه



منشأً افسانه‌ها و اسطوره‌های عجیبی بوده و این جنگل‌ها هم طبق افسانه‌ها از اشک چشم انسان رویده است. افسانه را که کنار بگذاریم، در آب‌های شور خلیج همیشه فارس‌مان و دریای زیبا عمان، نوعی پوشش گیاهی ویژه شوراب‌ها وجود دارد که اصطلاحاً به آنها مانگرو می‌گویند. درختان مانگرو شورزی جنگل‌های آبی جنوب ایران از خانواده شاه‌پسنداها هستند. تکثیر این درخت‌ها به این صورت است که نهال روی درخت اصلی رشد می‌کند و بعد جدایی درون آب و مرداب می‌افتد و به مرور درختی جدید می‌شود. جالب است بدانید که نام علمی درخت‌های حرا به افتخار دانشمند ایرانی پورسینا، اوه‌سینا مارینا است. غیر از مانگروهای حرا در جزیره قشم، هرمزگان، بوشهر، عسلویه، بندرعباس و سیستان و بلوچستان هم از این درخت‌های اوه‌سینا مارینا دارند. در واقع هر جا که آب شور و مردابی باشد، این درخت‌های نواحی استوایی هم خودنمایی کرده‌اند. درخت‌های مذکور، آب شور را جذب و نمکش را دفع می‌کنند و آب شیرین تحویل می‌دهند. البته همیشه هم در آب نیستند. وقتی سطح آب دریا و اقیانوس پایین‌برود، زمین زیر این درخت‌ها هم معلوم می‌شود و می‌توان در آنها پیاده‌روی هم کرد اما چند ساعت بعد و با مد آب گاه تمام ارتفاع درخت زیر آب می‌رود و از درختان بلندتر چند شاخه بیرون می‌ماند. جنگل حرا هم به‌عنوان «ذخیره‌گاه زیست‌بوم» در یونسکو ثبت شده است.

هشت منطقه حفاظت‌شده در سواحل دریا‌های جنوب ایران با این پوشش مشخص شده و ورود به آنها ممنوع یا تنها با مجوز مقدر است اما خوشبختانه برای دیدن این جنگل‌ها می‌توانید به دو منطقه چابهار یا قشم سفر کنید البته الان نه چون دیگر خرماپزان است. برای اوایل بهار یا فصل پاییز برنامه‌ریزی کنید و از این شگفتی طبیعت لذت ببرید.

جنگل‌های ایرانی- تورانی

این اسم که ما را یاد شاهنامه می‌اندازد، مربوط به پوشش گیاهی نواحی مرکزی و شرقی ایران است. البته بخش عمده این نواحی بی‌کوب و حاشیه‌کوبر عجین شده، به حدی که گاهی از شدت گرما روی صحراهای آفریقا را هم سفید می‌کند اما در مناطقی که بارشی نسبی بوده پوشش



گیاهی جنگلی هم دیده می‌شود. عمده درخت‌های این ناحیه پسته و بادام، گون و تاغ است. درخت یا بهتر است بگوییم درختچه تاغ مقاومت بالایی برابر گرما و خشکی دارد. به همین دلیل در نواحی کویری استان خراسان جنوبی جنگل‌کاری‌های وسیعی از درخت برای مقابله با بیابان‌زایی انجام شده است.

این بخش خیلی مهم است؛ لطفاً و حتماً بخوانید!
مساحت جنگل‌های هیرکانی و زاگرس کم نیست اما در مقایسه با وسعت بسیار زیاد کویر در ایران، کشور ما از جهت منابع جنگلی فقیر محسوب می‌شود. برای همین تلاش همه‌جانبه برای حفظ این میراث سبز پیش از سایر نقاط دنیا اهمیت پیدا می‌کند تا این تعادل پیش از این به نفع بیابان‌زایی تغییر نکند. بخش زیادی از این تلاش بر عهده متولیان امر است اما این چیزی از مسئولیت‌های به‌ظاهر خرد اما پراهمیت ما کم نمی‌کند. کمترین کاری که ما به‌عنوان گردشگر می‌توانیم انجام دهیم، توجه به قانون «گردشگری مسئولانه» است. هدف از این عبارت تعریف یکسری مسئولیت‌ها برای گردشگر است تا بافت طبیعی، تاریخی و فرهنگی هر مقصد سفر را حفظ کند. طبق این مسئولیت ما موظفیم طوری سفر کنیم که پس از اتمام سفر اثری از ما در مقصد نمانده باشد. مثلاً در سیاحت جنگل باید مراقب حریم حیوانات آن باشیم و با صدای بلند موسیقی گوش نکنیم. به درخت‌ها و درختچه‌ها آسیب نزنیم. شاید آنچه را که می‌بُریم یا از زمین بیرون می‌کشیم، یک‌گونه نادر و در حال انقراض باشد. حتماً مراقب مکانی که آتش روشن می‌کنیم، باشیم. ترجیحاً در جاهایی که قبلاً آتش روشن شده و آزارش باقی‌مانده بساط خود را علم کنیم. بعد از تمام شدن سیاحت‌مان هم حتماً آتش را کامل خاموش و خفه کنیم. خیلی از آتش‌سوزی‌های مهیب جنگل‌های زمین به خاطر بی‌مبالاتی در حد یک کبریت روشن بوده است. یادمان باشد جنگل‌ها شش‌های زمین هستند و شش اگر از کار بیفتد، نفس هم می‌رود.